

تأثیر کیفیت افشای رویه‌های حسابداری انتقادی بر عدم تقارن اطلاعاتی

حسین جهانگیرنیا^۱

فریدون رهنمای رودپشتی^۲

حمیدرضا وکیلی فرد^۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۷

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت افشای چهار مورد از رویه‌های حسابداری انتقادی و یا رویه‌های اصلی شرکت شامل نحوه شناسایی ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، هزینه استهلاک، مزایای بازنشستگی و ارزیابی موجودی کالا بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها می‌باشد. از چک لیستی محقق ساخته مبتنی بر الزامات بورس اوراق بهادار برای میزان کیفیت افشا در گزارش‌های مالی و هیأت مدیره سالانه شرکت‌های نمونه استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که به روش غربال‌گری به دست آمده در یک دوره ۱۴ ساله طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۳ می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از نرم افزارهای SPSS و Eviews و روش داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی استفاده شده است. نتایج این پژوهش بیانگر وجود رابطه منفی و معنادار بین کیفیت افشای رویه‌های حسابداری انتقادی و عدم تقارن اطلاعاتی گردید. به عبارتی دیگر، افزایش سطح کیفیت افشای رویه‌های حسابداری انتقادی در گزارش‌های مالی منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت افشای اطلاعات، رویه‌های حسابداری انتقادی، عدم تقارن اطلاعاتی.

۱- دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه حسابداری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

hosein_jahangirnia@yahoo.com

۲- استاد، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۳- دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۱- مقدمه

تهیه کنندگان اطلاعات حسابداری ادعا دارند که اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی، بی‌طرفانه و بدون سوگیری است ولی شواهد نشان می‌دهد که حسابداری همانند ابزاری در دست عده‌ای است که تنها منافع گروه خاصی را تامین کرده و منافع دیگران را نادیده می‌گیرند (بلکوئی، ۱۳۸۱). اخیراً نیز دیدگاه حسابداری انتقادی مطرح شده که تاکید بر نقش محوری حسابداری در قضاوت بین شرکت‌های مختلف دارد (نیمار و تینکر، ۱۹۸۹). حسابداری انتقادی می‌تواند به بهترین شکل درکی از افراد، سازمان‌ها و جوامع ارائه کند، بنابراین پذیرش دیدگاه انتقادی در حسابداری مهم است (بیکر و بیتنر، ۱۹۹۷). بخش عمده‌ای از تحقیقات حسابداری بر پایه این نقطه نظر انجام شده است که واقعیت‌های موجود در دنیا، ماهیت قابل تعیین دارند و از طریق انجام تحقیقات می‌توان به آن واقعیت‌ها پی برد و واقعیت‌های عینی، مستقل از عامل انسانی مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه، عامل انسانی به عنوان به وجود آورنده واقعیت‌ها دیده نشده، بلکه عاملی تلقی شده که صفات آن را می‌توان از راه مشاهده توصیف کرد (شاهنگ، ۱۳۸۲). الزامات کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا^۱ در نشریه شماره ۶۰ گزارشگری مالی^۲ و افزایش سطح افشا در مدارک پیوست صورت‌های مالی در آمریکا تحت عنوان فرم‌های ۸K و ۱۰K، منجر به اعتماد بیشتر سرمایه گذاران به بازار سرمایه گردیده است (لوین و اسمیت، ۲۰۱۱). بدیهی است عدم تقارن و یا شکاف اطلاعاتی^۳ زمانی در بازار ایجاد می‌شود که سهامداران به اطلاعات محرمانه‌ای که مدیران شرکت در اختیار دارند، دسترسی نداشته باشند (پورزمانی و منصور، ۱۳۹۴). وجود اطلاعات کافی در بازار و انعکاس به موقع و سریع اطلاعات بر روی قیمت اوراق بهادار، ارتباط تنگاتنگی با کارایی بازار دارد. در بازار کارا، اطلاعاتی که در بازار پخش می‌شود به سرعت بر قیمت تاثیر می‌گذارد و قیمت اوراق بهادار به ارزش ذاتی آن نزدیک است (فاما، ۱۹۷۰). ویژگی مهم بازار کارا این است که قیمت تعیین شده در بازار، شاخص

مناسبی از ارزش واقعی اوراق بهادار است (جهانخانی و عبده تبریزی، ۱۳۷۲). بازار کارا باید نسبت به اطلاعات جدید حساس بوده و اگر اطلاعات تازه‌ای به اطلاع عموم برسد، قیمت سهام عادی شرکت متناسب با جهت اطلاعات یاد شده تغییر خواهد کرد (ناگار و همکاران، ۲۰۰۳).

در این پژوهش سطح کیفیت افشای رویه‌هایی مد نظر است که مدیریت شرکت ناگزیر به انتخاب یک روش از میان چندین روش استاندارد برای تهیه صورت‌های مالی و گزارش‌های هیات مدیره شرکت-های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران می‌باشد (رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش برای اولین بار در موضوع افشای اطلاعات شرکتی مبتنی بر استانداردهای بین المللی پرداخته شده و به دنبال بررسی رابطه بین سطح کیفیت رویه‌های حسابداری انتقادی مبتنی بر الزامات بین المللی و در انطباق با قوانین افشای بورس و اوراق بهادار تهران در دوره‌های مختلف با عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌هاست. اهمیت این موضوع برای استانداردگذاران، مدیران و سرمایه گذاران بازار سرمایه از این منظر است که با الزام استانداردهای مربوط به افشای هر چه بیشتر گزارشگری مالی بین المللی، شکاف اطلاعاتی بین گروه‌های ذینفع کمتر شده و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها نیز کاهش می‌یابد و در نتیجه منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی و افزایش ارزش برای شرکت و سایر ذی‌نفعان می‌گردد. سوال اصلی پژوهش حاضر این مورد است که آیا افشای بیشتر رویه‌های حسابداری انتقادی^۴ در گزارش‌های مالی منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

کیفیت افشای اطلاعات

اصطلاح افشای اطلاعات در گسترده‌ترین مفهوم خود به معنای ارائه اطلاعات است. حسابداران از این عبارت به صورت محدودتری استفاده می‌کنند و منظور آنها انتشار اطلاعات مالی مربوط به یک شرکت در گزارش‌های مالی است، در دقیق‌ترین مفهوم،

منظور از افشای اطلاعات، بحث‌ها و تحلیل‌های مدیریت، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش‌های مکمل است (هندریکسون و ونبردا، ۱۹۹۲)، عوامل تعیین‌کننده کیفیت افشای اطلاعات حسابداری متعدد هستند. ناگار و همکاران (۲۰۰۳) بهبود کیفیت افشا را عاملی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه‌های نمایندگی میان سهامداران و مدیران می‌دانند. افشای اجباری و اختیاری، دو نوع افشای شرکتی هستند که مدیران، اطلاعات محرمانه را به بازارهای سرمایه ارائه می‌کنند و اثر آن را می‌توان در تغییرات قیمت سهام و نقدینگی ملاحظه کرد (بالاک ریشنان و همکاران، ۲۰۱۴). راهبرد افشای اختیاری شرکت، نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی ایفا می‌کند؛ زیرا نبود تقارن اطلاعاتی ممکن است موجب ارزش‌گذاری اشتباه شرکت شده و انگیزه‌ای برای تصحیح ارزش‌گذاری اشتباه از طریق افشای بیشتر اطلاعات ایجاد کند (پورحیدری و حسین پور، ۱۳۹۱).

رویه‌های حسابداری انتقادی (رویه‌های اصلی)

رویه‌های حسابداری انتقادی در واژگان حسابداری ایران معادل دیگری نداشته و در برخی ترجمه‌ها به عنوان رویه‌های اصلی و یا مهم به کار رفته است. بنابراین در این پژوهش نیز از همان واژه معمول حسابداری انتقادی استفاده شده و مفهوم آن همان رویه‌هایی است که مدیریت شرکت ناگزیر به انتخاب یکی از گزینه‌ها (راه حل‌ها) بی‌استانداردها و آیین‌نامه‌های موجود امکان به کارگیری آن را به مدیریت ارائه نموده‌اند، که افشای الزامی و یا اختیاری این موارد با توجه به تاثیراتی که بر نتایج مالی آتی شرکت دارد از اهمیت ویژه‌ای برای مقایسه با سایر شرکت‌های رقیب و یا تصمیم‌گیری در بهینه‌سازی سبد سهام برای سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان برخوردار است. در ادامه به تبیین بیشتر ویژگی‌های این رویه‌ها پرداخته شده است.

در دسامبر ۲۰۰۱ سازمان بورس و اوراق بهادار نیویورک یک پیشنهاد هشداردهنده، برای افزایش شفافیت و قابلیت فهم گزارش‌های مالی، شرکت‌ها را به ارائه رویه‌های حسابداری انتقادی در گزارش بحث و تحلیل مدیریت^۵ ترغیب و آنها را به صورت زیر تعریف نمود:

الف) مهمترین عامل برای توصیف وضعیت و نتایج مالی شرکت هستند.

ب) قضاوت‌های پیچیده مورد نیاز مدیریت درباره اثرات برآوردها که به طور ذاتی ابهام‌آمیزند.

طبق نشریه شماره ۶۰ گزارشگری مالی کمیسیون بورس و اوراق بهادار، رویه‌ای در حسابداری که در شرایط و نتایج مالی شرکت مهم بوده و مستلزم قضاوت و برآوردهایی مهم در بخش مدیریت شرکت باشد که اولاً، به سهولت از طریق سایر منابع قابل تعیین نبوده و ذاتاً نامعین و غیر قطعی هستند، ثانیاً، مقادیر گزارش شده دارایی‌ها، بدهی‌ها، درآمدها و هزینه‌ها و افشای مرتبط با دارایی‌ها و بدهی‌های احتمالی تحت تاثیر قرار دهد به عنوان رویه‌های حسابداری انتقادی تلقی می‌نماید. بنابراین مدیریت شرکت برآوردهای خود با تکیه بر تجربیات قبلی و سایر مفروضات گوناگونی که معتقد است تحت شرایط موجود منطقی می‌باشد، انجام می‌دهد. این رویه‌ها که در برخی موارد رویه‌های اصلی نیز نامیده می‌شوند برای ارائه تصویر نتایج و شرایط مالی شرکت بسیار مهم بوده و مستلزم قضاوت‌های ذهنی یا پیچیده و بسیار مشکل توسط مدیریت می‌باشد.

بدیهی است همانطور که رویدادهای آتی در معرض تغییر می‌باشند، بهترین برآوردهای قضاوتی نیز به طور معمول نیاز به اصلاح دارند. عمده‌ترین حوزه‌هایی که شامل برآوردها و مفروضات رویه‌های حسابداری انتقادی می‌باشند، عبارتند از: ۱) شناخت درآمد، ۲) ذخیره مطالبات مشکوک الوصول^۶، ۳) استهلاك، ۴) تغییرات سرقفلی و سایر دارایی‌های نامشهود، ۵) ذخیره مزایای بازنشستگی و پایان خدمت کارکنان، ۶) ذخیره‌های بیمه، ۷) حسابداری مالیات بر درآمد، ۸) مالیات بر درآمد معوق، ۹)

ارزیابی موجودی کالا، (۱۰) دعاوی حقوقی، (۱۱) تغییرات در سرمایه گذاری‌ها، (۱۲) اوراق مشتقه و (۱۳) تعهدات و موارد احتمالی. مثلاً مدیریت شرکت باید دلایل توجیهی انتخاب روش استهلاك خط مستقیم برای دارائی‌های ثابت و یا استفاده از روش میانگین موزون و یا ... در ارزیابی موجودی کالای آخر دوره را به صورت منطقی به عنوان بخشی از اطلاعات برای ذی‌نفعان افشا نماید.

طبق الزامات افشای اطلاعات توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران در بخشی از گزارش هیات مدیره و یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی باید به نحوه محاسبه ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، شناخت درآمد، هزینه استهلاك، ذخیره مزایای بازنشستگی و ارزیابی موجودی کالا شرکت اشاره گردد، اما به تحلیل حساسیت روش‌های ممکن و اعلام توجیه منطقی مدیریت در خصوص تغییر رویه معمول قبلی الزامی صورت نگرفته و افشای این موارد اختیاری است و در نهایت این گزارش توجیهی انتخاب روش‌ها توسط مدیریت به کمیته حسابرسی شرکت‌ها جهت بررسی ارائه می‌گردد.

تعیین رویه‌های حسابداری انتقادی جزو امور ناگیر مدیریت شرکت و موارد اثرگذار بر میزان سود و زیان پیشنهادی شرکت می‌باشد که می‌تواند ارزش خالص دارایی‌های شرکت را دستخوش تغییر قرار داده و ذی‌نفعان از جمله سهامداران و فعالان بازار سرمایه را به ارائه این اطلاعات حساس‌تر نموده و با الزام هر چه بیشتر نهادهای قانون‌گذار به بهبود شفافیت و مطلوبیت بیشتر گزارش‌گری مالی شرکت‌ها بیانجامد (عسکری و همکاران، ۱۳۹۰). طبق نشریه شماره ۶۰ گزارش‌گری مالی بورس و اوراق بهادار آمریکا و قوانین و آیین نامه‌های مربوط به افشا در بورس اوراق بهادار تهران، الزامات افشای رویه‌های حسابداری انتقادی در گزارش سالانه هیات مدیره و یا در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی به شرح زیر است:

(۱) تعریف و تشریح برآوردهای حسابداری و چگونگی ایجاد و توسعه آن، مفروضات به کار

گرفته شده در برآورد و هرگونه تغییر معقول به عمل آمده در آن
(۲) شرح نحوه تأثیر برآورد مورد نظر در تغییرات وضعیت مالی و نتایج عملکرد شرکت
(۳) ارائه تحلیل حساسیت تغییرات در برآوردهای مؤثر بر نتایج مالی
(۴) ارائه اطلاعات تاریخی در مورد تغییرات قبلی برآوردها و افشای موارد خاص مؤثر در رابطه با چگونگی تأثیر بر صورت‌های مالی
(۵) ارائه گزارش توجیهی برآوردهای مدیریت به کمیته حسابرسی
بنابراین رویه‌های حسابداری انتقادی را می‌توان همان رویه‌های اصلی حسابداری که مدیریت شرکت ناگزیر به انتخاب از میان چندین راه حل ممکن استاندارد برای تعیین الگو برای گزارش‌گری مالی شرکت با توجه به فعالیت آن می‌باشد در نظر گرفت.

عدم تقارن اطلاعاتی

نظریه عدم تقارن اطلاعاتی برای اولین بار توسط اکرلوف، اسپنس و استیگلیتز (۱۹۷۰) ارائه شد. این پژوهشگران نشان دادند که عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند موجب افزایش گزینش مغایر در بازارها شود که این امر قبل از وقوع معامله برای افراد به وجود می‌آید. آنها نوعی بازار را به تصویر می‌کشند که در آن فروشنده نسبت به خریدار اطلاعات بیشتری را در اختیار دارد. تینیک (۱۹۷۲) بیان می‌کند که در ادبیات مالی، دامنه قیمت پیشنهاد خرید و فروش سهام از سه بخش هزینه پردازش سفارش، هزینه نگهداری موجودی و هزینه گزینش معکوس، تشکیل می‌شود. در ادبیات مالی، فاصله غیرمعمول قیمت پیشنهادی خرید و فروش را بیانگر سطح عدم تقارن اطلاعاتی بین خریداران و فروشندگان می‌دانند (وکیلی فرد و رستمی، ۱۳۸۹).

کیچی کوبوتا، هیتوشی تاکهارا (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان افشای میان‌دوره‌ای اقلام حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه توکیو به بررسی تأثیر این دو متغیر بر هم پرداختند و در نتیجه

حسابداری انتقادی منجر به افزایش کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری می‌گردد.

ستایش و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی اثر تعاملی کیفیت اطلاعات حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی بر عدم کفایت سرمایه‌گذاری با بررسی کیفیت اقلام تعهدی و قیمت پیشنهادی خرید و فروش در شرکت‌های کم و بیش سرمایه‌گذاری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هر چه کیفیت اطلاعات حسابداری افشا شده بیشتر باشد، عدم تقارن اطلاعاتی که خود عامل مساله کم سرمایه‌گذاری است کمتر شده و رابطه مستقیم و معنادار دارند ولی در مورد بیش سرمایه‌گذاری موارد دیگری نیز درگیر بوده و رابطه‌ای وجود ندارد.

خواجه‌وی و علیزاده (۱۳۹۳) در پژوهش خود به رابطه بین سطح افشای داوطلبانه و عدم تقارن اطلاعاتی پرداخته است. در چک‌لیست پژوهش ۷۱ شاخص در شش بخش کلی پیشینه اطلاعاتی، خلاصه‌ای از نتایج مهم تاریخی، آماره‌های کلیدی غیرمالی، اطلاعات بخش‌ها، اطلاعات پیش‌بینی و بحث و تحلیل مدیریت بررسی شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین سطح افشای داوطلبانه و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود ندارد.

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۲) ارزیابی تاثیر افشای رویه‌های حسابداری انتقادی بر معیارهای ارزیابی عملکرد و کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از رویکرد سودمندی افشای انتقادی اقلام حسابداری به تصمیمات سرمایه‌گذاری، محتوای اطلاعاتی اضافی افشای اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی را مورد بررسی قرار دادند. آنها به این نتیجه رسیدند در سال‌هایی که افشای انتقادی اقلام مورد نظر صورت می‌گیرد، معیارهای ارزیابی عملکرد افزایش یافته، لیکن کیفیت گزارشگری مالی تغییر محسوسی نکرده است.

۳- روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف توصیفی و از منظر نتیجه کاربردی است. تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در

دریافتند که هر شرکتی که دارای عدم تقارن اطلاعاتی کم‌تر بوده میزان نقدشوندگی بالاتری داشته و تمایل بیشتری نیز به افشای اطلاعات مالی شرکت داشته است.

آلین آنگ، رابرت تومارکین (۲۰۱۶) بر تاثیر افشای اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه شرکت‌ها مبنی بر ارائه فرم‌های 10-k و s-k برای اعلام برنامه‌های شرکت در خصوص منابع تامین مالی داخلی و خارجی با استفاده از تکنیک پردازش زبان طبیعی دستوری تحقیق نمودند. بعد از طبقه بندی افشاهای مورد نظر به طور صحیح و شناسایی آنها بدون تفاسیر ذهنی و در اختیار قرار دادن آنها جهت استفاده ذی‌نفعان برون سازمانی به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که افشای بیشتری در گزارش‌های مالی خود ارائه کرده‌اند، دارای عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه کمتری بودند.

مارتینز فررو و همکاران (۲۰۱۵) بر تأثیر افشای داوطلبانه اطلاعات در ارتباط با مسئولیت اجتماعی بر عدم تقارن اطلاعاتی با استفاده از نمونه ۵۷۵ شرکت در بازارهای مختلف بر ارتباط دوطرفه بین افشای داوطلبانه اطلاعات شرکت‌ها و عدم تقارن اطلاعاتی آنها تمرکز نمودند. در نتیجه گیری به این موضوع رسیدند که برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها باید سطح کیفیت افشای داوطلبانه اطلاعات افزایش یابد.

لوین و اسمیت (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان افشای رویه‌های حسابداری انتقادی اقدام به بررسی کاربرد افشای رویه‌های حسابداری انتقادی نمودند. در این پژوهش از مدل دیچو و دایچو در سال ۲۰۰۲ برای کارایی اعمال حسابداری انتقادی و از اقلام حساب‌های دریافتنی، موجودی کالا و ذخیره بازنشستگی به عنوان اقلام حسابداری انتقادی استفاده کردند. نتیجه حاصل از بررسی آنها این بود که شرکت‌هایی که در گزارش‌های خود از افشای رویه‌های حسابداری انتقادی استفاده می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که استفاده نمی‌کردند، کارایی بیشتری دارند، بنابراین استفاده از افشای رویه‌های

انجام آزمون‌ها انتخاب شد که با در نظر گرفتن دوره پژوهش ۱۴ ساله، نمونه قابل بررسی پژوهش معادل ۸۱۲ سال شرکت تعیین گردید.

در این پژوهش برای تمام آزمون‌ها خطای نوع اول α (احتمال رد H_0 در صورتی که درست باشد) برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. در ابتدا با مبنا قرار دادن مفروضات شرکت‌های موجود در حجم نمونه اقدام به نمونه‌گیری نموده و بعد از تعیین گزارش‌هایی که افشای رویه مورد نظر با توجه به مقیاس محقق ساخته مبتنی بر نشریه ۶۰ کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا و الزامات بورس اوراق بهادار تهران که شامل چهارنوع افشای مورد نظر در بحث کیفیت افشای اطلاعات بیان شده به تعیین رتبه افشا در شرکت‌ها به این ترتیب که در صورت وجود افشای هر یک از بندهای مورد نظر در گزارش هیات مدیره و یا یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در مقابل امتیاز افشای آن بند لحاظ شود، پرداخته است (حداقل امتیاز صفر و حداکثر ۵). عدم تقارن اطلاعاتی نمونه آماری نیز طی سال‌های مورد مطالعه، محاسبه شده و با استفاده از آزمون کولموگراف اسمیرنوف نسبت به نرمال بودن داده‌ها اطمینان یافته و مدل مناسب از میان مدل‌ها (تلفیقی یا تابلوئی، اثرات ثابت یا تصادفی) با توجه به نتایج آزمون چاو یا F مقید و هاسمن انتخاب شده و در نهایت به بررسی رابطه بین افزایش و کاهش سطح کیفیت افشای رویه‌های حسابداری انتقادی با عدم تقارن اطلاعاتی پرداخته است.

بورس اوراق بهادار تهران جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهد و قلمرو زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۳ هجری شمسی (یک دوره ۱۴ ساله) می‌باشد. قابل ذکر است به دلیل فقدان اطلاعات قابل اتکا در پایگاه‌های داده موجود مربوط به قبل از سال ۱۳۸۰ و با توجه به انتشار گزارش هیات مدیره و صورت‌های مالی منتهی به سال ۱۳۹۴ در روزهای پایانی خرداد ماه ۱۳۹۵، امکان توسعه قلمرو زمانی پژوهش به سال‌های قبل و بعد وجود نداشت. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت غربال‌گری است. بنابراین کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر باشند جزو نمونه آماری منظور می‌شوند:

(۱) شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفندماه باشد و همچنین قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۳ از بورس اخراج و یا به بازار پایه فرابورس (قوانین منحصر و خاص معاملاتی دارد) نیز منتقل نشده باشند.

(۲) شرکت‌هایی که سهام آنها در بازار سرمایه طی دوره پژوهش به طور عادی مورد معامله قرار گرفته و وقفه معاملاتی بیش از ۳ ماه (یک فصل) نداشته باشند.

(۳) جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری و موسسات مالی که قوانین خاص خود را دارند، نباشند.

(۴) اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس باشد. در نتیجه اعمال شرایط و ملاحظات در نمونه‌گیری، تعداد ۵۸ شرکت از جامعه آماری جهت

جدول ۱- نحوه انتخاب و استخراج نمونه

تعداد	تعداد	شرح
۲۵۹		شرکت‌هایی که تا قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا سال ۱۳۹۴ اخراج و یا به بازار پایه منتقل نشده باشند
	۸۰	شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند نمی‌باشد
	۴۲	شرکت‌هایی که در دوره مورد مطالعه تغییر دوره مالی داده‌اند
	۵۶	شرکت‌هایی که بیش از ۳ ماه متوقف بوده‌اند
	۲۳	شرکت‌هایی که جز موسسات مالی و سرمایه‌گذاری هستند
(۲۰۱)		مجموع شرکت‌های حذف شده
۵۸		تعداد شرکت‌هایی که داده‌های آنها جمع‌آوری شده است (نمونه نهایی)

۴- متغیرها و مدل پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آنها

متغیر مستقل

متغیر مستقل شرایط یا خصایصی هستند که محقق در عمل، آنها را برای اثبات ارتباطشان با پدیده مورد مطالعه دست‌کاری می‌کند. در پژوهش حاضر، نحوه افشای اجباری یا داوطلبانه چهار مورد از رویه‌های حسابداری انتقادی یا رویه‌های اصلی که بیشتر شرکت‌ها با توجه به استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی موجود عمدتاً با آنها سروکار دارند به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

(۱) نحوه محاسبه ذخیره م.م.و (BDP): دو رویکرد ترازنامه‌ای (درصدی از حساب‌های دریافتنی یا تجزیه و تحلیل سنی بدهکاران) و سود وزیانی (درصدی از فروش کامل یا نسبی) وجود دارد که شرکت‌ها با توجه به تجربیات قبلی می‌توانند بکارگیری هر کدام از روش‌ها را با توجیه منطقی افشا نمایند.

(۲) روش محاسبه هزینه استهلاک (Dep): با افشای دلایل منطقی از سوی مدیریت می‌توان از هر یک از روش‌های خط مستقیم، ساعات کارکرد، میزان تولید، نزولی و... برای دارائی‌های مشهود و نامشهود استفاده نمود.

(۳) روش محاسبه مزایای بازنشستگی (Pen): ارائه افشای لازم در مورد ارزش فعلی مزایای بازنشستگی مبتنی بر اکچوئری^۷ هر سه سال یکبار و یا مقاطع کوتاه‌تر، نحوه ایفای تعهدات و اندازه گیری دارائی‌های طرح، حق بیمه‌های آتی و ... باید صورت گیرد.

(۴) روش ارزیابی موجودی کالا (Inv): نسبت به توجیه انتخاب روش اولین صادره از اولین وارده، میانگین موزون، شناسائی ویژه و ... افشای لازم صورت می‌گیرد.

متغیر وابسته

متغیری که تغییرات آن تحت تاثیر متغیر مستقل قرار می‌گیرد. در این پژوهش عدم تقارن اطلاعاتی (IA) متغیر وابسته می باشد که با مدل ونکاتش و چیانگ^۸ (۱۹۸۶)، محاسبه می‌شود:

$$spread_{it} = \frac{AP - BP}{AP + BP} \times 100$$

Spread: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام

AP: میانگین اولین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در دوره t

BP: میانگین اولین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در دوره t

هر چه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام عدد بزرگتری باشد، حاکی از عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است.

متغیر کنترل

متغیرهایی که تاثیرشان در تعیین رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته باید خنثی یا حذف شوند را متغیرهای کنترل می‌نامند. متغیرهای کنترل پژوهش حاضر با مطالعه تحقیقات مرتبط داخلی و خارجی در مورد عوامل مؤثر بر عدم تقارن اطلاعاتی شناسایی و استخراج شده است. بدیهی است متغیرهای کنترل دیگری نیز وجود دارد ولی با توجه به ویژگی ارتباط هر چه بیشتر با متغیر وابسته، موارد زیر انتخاب شد.

اهرم مالی (FLev): از تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارائی‌ها به دست می‌آید.

سودآوری (Prof): بیانگر بازده دارائی‌های شرکت می‌باشد و از تقسیم سود خالص بر کل دارائی‌ها بدست می‌آید.

اندازه شرکت (Size): حاصل لگاریتم طبیعی جمع دارائی‌های شرکت می‌باشد.

بنابراین مدل رگرسیونی پژوهش به شرح زیر تعریف می‌شود.

$$IA_{it} = \beta_0 + \beta_1 BDP_{it} + \beta_2 Dep_{it} + \beta_3 Pen_{it} + \beta_4 Inv_{it} + \beta_5 FLev_{it} + \beta_6 Prof_{it} + \beta_7 Size_{it} + \epsilon_{it}$$

۵- فرضیه‌های پژوهش فرضیه اصلی

بین عدم تقارن اطلاعاتی دوره‌های با کیفیت افشای بیشتر رویه‌های حسابداری انتقادی با دوره‌های با کیفیت افشای کمتر ارتباط معنی داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

(۱) بین عدم تقارن اطلاعاتی دوره‌های با کیفیت افشای بیشتر در مورد برآورد ذخیره مطالبات مشکوک الوصول (م.م.و) با دوره‌های با کیفیت افشای کمتر ارتباط معنی داری وجود دارد.

(۲) بین عدم تقارن اطلاعاتی دوره‌های با کیفیت افشای بیشتر در خصوص روش تعیین هزینه استهلاک با دوره‌های با کیفیت افشای کمتر ارتباط معنی داری وجود دارد.

(۳) بین عدم تقارن اطلاعاتی دوره‌های با کیفیت افشای بیشتر درباره روش برآورد ذخیره مزایای بازنشستگی با دوره‌های با کیفیت افشای کمتر ارتباط معنی داری وجود دارد.

(۴) بین عدم تقارن اطلاعاتی دوره‌های با کیفیت افشای بیشتر روش ارزیابی موجودی کالا با

دوره‌های با کیفیت افشای کمتر ارتباط معنی داری وجود دارد.

۶- یافته‌های پژوهش ۶-۱- آمار توصیفی

در جدول (۲)، بزرگی میانگین از میانه وجود توزیع داده‌ها با چوله به راست است و برعکس، اما در صورت هم اندازه بودن این دو مقوله می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها چولگی ندارند.

بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق

نرمال بودن باقیمانده‌های مدل رگرسیونی یکی از فرض‌هایی است که نشان دهنده اعتبار آزمون‌های رگرسیونی است. در جدول (۳)، با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنف نرمال بودن توزیع متغیرهای مستقل، وابسته و کنترل بررسی شده است.

در صورتی که مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر (نرمال بودن متغیر) رد می‌شود، سپس با توجه به امکان نرم افزار spss از روش لگاریتم طبیعی اقدام به نرمال سازی داده‌های غیر نرمال نموده و مجدداً آزمون نرمالیت انجام شده که مقدار احتمال متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ شد و به این معناست که توزیع لگاریتم این متغیر نرمال است.

جدول ۲- آمار توصیفی برای متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
ذخیره م.م.و	۱/۹۵	۲	۱	۳	۰/۳۱
هزینه استهلاک	۲/۱۰	۲	۱	۴	۰/۴۲
ذخیره بازنشستگی	۱/۰۵	۱	۰	۳	۰/۲۸
ارزیابی موجودی کالا	۱/۹۰	۲	۱	۲	۰/۷۳
عدم تقارن اطلاعاتی	۱/۷۷	۱/۸۱	-۲/۸۶	۴/۶۳	۱/۰۷
اهرم مالی	۰/۶۵	۰/۶۶	۰/۱۳۳	۱/۰۹	۰/۱۸۵
سودآوری	۰/۱۲	۰/۰۹۷	-۰/۳۳	۰/۸۱	۰/۱۵
لگاریتم طبیعی اندازه شرکت	۱۳/۲۷	۱۳/۰۷	۹/۸	۱۹/۶۲	۱۲/۲۰

جدول ۳- آزمون بررسی نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق

متغیر	نتایج آزمون KS قبل از نرمال سازی		نتایج آزمون KS بعد از نرمال سازی	
	مقدار Z	مقدار احتمال	مقدار Z	مقدار احتمال
عدم تقارن اطلاعاتی	۶/۵۸	۰/۰۰۳	۱/۳۳	۰/۰۵۸
ذخیره م.م.و	۲/۶۵	۰/۰۰۰	۰/۷۵۱	۰/۶۵۱
هزینه استهلاک	۱/۸۲۵	۰/۰۲۰	۱/۳۵۳	۰/۲۱۳
ذخیره بازنشستگی	۱/۶۲	۰/۰۰۰	۰/۷۴۵	۰/۰۶۳
ارزیابی موجودی کالا	۲/۱۲	۰/۰۱۸	۱/۲۱۲	۰/۷۲۱
اهرم مالی	۱/۸۶	۰/۰۵۵	-	-
سودآوری	۱/۹۸	۰/۰۱۰	۰/۶۲۴	۰/۳۵۶
اندازه شرکت	۲/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۴۵۱	۰/۵۲۱

۲-۶- آزمون فرضیه‌ها

همان گونه که پیشتر گفته شد ابتدا مدل مناسب از میان مدل‌ها (تلفیقی یا تابلوئی، اثرات ثابت یا تصادفی) انتخاب می‌گردد. نتایج آزمون چاو یا F مقید و هاسمن برای تشخیص مدل مناسب در جدول (۳) ارائه شده است.

در آزمون چاو، فرض یکسان بودن عرض از مبدأها (H_0) در مقابل فرض ناهمسانی عرض از مبدأها (H_1) قرار می‌گیرد. اگر مقدار احتمال F مقید بیشتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر پذیرفته شده و به معنی یکسان بودن شیب‌ها برای مقاطع مختلف بوده و قابلیت تلفیق داده‌ها و استفاده از مدل رگرسیون تلفیقی مورد تأیید آماری قرار می‌گیرد و در صورت رد فرضیه صفر، مثل پژوهش حاضر، روش داده‌های تابلوئی پذیرفته می‌شود. فرض اصلی در الگوی اثرات ثابت این است که جزء خطا می‌تواند با متغیرهای توضیحی همبسته باشد، اما در الگوی اثرات تصادفی فرض می‌شود که همبستگی بین جزء خطا با متغیرهای توضیحی وجود ندارد. آزمون هاسمن از معیار کای دو استفاده می‌کند در صورتی که احتمال آماره آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر در سطح معنی داری ۹۵ درصد پذیرفته شده و اثرات ثابت انتخاب شده و در غیر این صورت اثرات تصادفی انتخاب می‌شود. مقدار احتمال آزمون هاسمن پژوهش حاضر برابر با ۰/۱۹۷ می‌باشد و چون بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین مدل مورد

استفاده برای این پژوهش داده‌های تابلوئی با اثرات تصادفی می‌باشد. با توجه به عدم وجود همخطی بین متغیرهای مستقل، مدل رگرسیونی پژوهش در یک جدول بررسی شد. نتایج تحلیل مدل رگرسیون پژوهش در جدول ۴ ارائه شده است. مدل برآورد شده با استفاده از نرم افزار Eviews به صورت زیر خواهد بود:

$$IA_{it} = 0.3224 - 2.3723BDP_{it} - 0.4155Dep_{it} - 0.09Pen_{it} - 0.27Inv_{it} + 0.11FLev_{it} + 0.0522Prof_{it} + 0.13Size_{it}$$

در جدول (۴) مقدار احتمال F برابر با ۰/۰۱۵ که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر رد می‌شود یعنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بودن مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز برابر با ۰/۱۹ است که یعنی ۱۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (عدم تقارن اطلاعاتی) توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می‌گردد. مقدار آماره دوربین و واتسون نیز معادل ۱/۸۲ است که مقادیر بین ۱/۵ تا ۲/۵، عدم خودهمبستگی باقیمانده‌ها که از فروض مدل رگرسیون می‌باشد را نشان می‌دهد. مقدار آماره t و احتمال عرض از مبدأ (مقدار ثابت) مدل به ترتیب برابر با ۸/۹۳ و صفر است یعنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، عرض از مبدأ در ناحیه رد فرض صفر قرار داشته و معنادار است.

جدول ۳- آزمون‌هایی جهت تعیین مدل مناسب تحقیق

نتیجه	آزمون هاسمن			نتیجه	آزمون چاو یا F مقید		
	احتمال	درجه آزادی	مقدار کای دو		احتمال	درجه آزادی	مقدار
اثرات تصادفی	۰/۱۹۷	۱	۱/۶۶	داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۵۷ و ۵۷۹	۲/۳۰

جدول ۴- نتایج تخمین مدل رگرسیون

رابطه	احتمال	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	متغیر
مثبت	۰/۰۰۰	۸/۹۳۵	۰/۲۶۶	۲/۳۷۳	مقدار ثابت
منفی	۰/۰۱۵	-۲/۴۳۵	۰/۱۳۳	-۰/۳۲۴	افشای روش ذخیره م.م.و
منفی	۰/۰۱۷	-۲/۵۲	۰/۱۵	-۰/۴۱۵	افشای روش استهلاک
منفی	۰/۰۴۵	-۱/۹۹	۰/۱۳۶	-۰/۰۹	افشای ذخیره بازنشستگی
منفی	۰/۰۴۱	-۲	۰/۱۱	-۰/۲۷	فشای ارزیابی م کالا
مثبت	۰/۰۷۴	۱/۰۵	۰/۱۴۲	۰/۱۱	اهرم مالی
مثبت	۰/۴۲	۰/۰۸۵	۰/۱۹	۰/۰۵۲	سودآوری
منفی	۰/۰۰۹	-۲/۱۵	۰/۱۸۵	-۰/۱۳	اندازه شرکت
۰/۰۱۵	مقدار احتمال F		۵/۹۲	مقدار F	
۱/۸۲	دوربین واتسون		۰/۱۹	ضریب تعیین تعدیل شده	

نتایج فرضیه‌های پژوهش

با توجه جدول ۴، ضریب رتبه افشای روش ذخیره م.م.و معادل -۰/۳۲۴ می‌باشد که رابطه منفی با عدم تقارن اطلاعاتی را نشان می‌دهد و با توجه به مقدار احتمال ۰/۰۱۵، فرضیه فرعی اول که بیانگر رابطه بین سطح کیفیت افشای روش برآورد ذخیره م.م.و و مقدار عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد با اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. در مورد فرضیه فرعی دوم، با توجه به ضریب رتبه افشای هزینه استهلاک -۰/۴۱۵، بیانگر ارتباط منفی با عدم تقارن اطلاعاتی است و چون احتمال آماره t برابر ۰/۰۱۷ گردیده، رابطه معنادار سطح کیفیت افشای روش هزینه استهلاک و عدم تقارن اطلاعاتی با اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گرفت. در بررسی فرضیه فرعی سوم، ضریب رتبه افشای ذخیره بازنشستگی برابر ۰/۰۹- می‌باشد که این عدد بیانگر رابطه منفی با عدم تقارن اطلاعاتی است و با در نظر گرفتن مقدار احتمال ۰/۰۴۵، با اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی دار سطح کیفیت افشای روش برآورد ذخیره ارزیابی بازنشستگی با عدم تقارن اطلاعاتی تأیید گردید. مفهوم -۰/۲۷ ضریب رتبه

افشای ارزیابی موجودی کالا، رابطه منفی با عدم تقارن اطلاعاتی است و با توجه مقدار احتمال ۰/۰۴۱، فرضیه فرعی چهارم یعنی رابطه سطح کیفیت افشای نحوه ارزیابی موجودی کالا با عدم تقارن اطلاعاتی با اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید می‌باشد. بنابراین با توجه به تأیید رابطه منفی و معنادار هر چهار فرضیه فرعی با مقدار عدم تقارن اطلاعاتی، فرضیه اصلی پژوهش که بیانگر رابطه معنادار بین مقدار عدم تقارن اطلاعاتی در دوره‌های افشای بیشتر رویه‌های حسابداری انتقادی با دوره‌های با کیفیت افشای کمتر می‌باشد مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین بررسی نتایج متغیرهای کنترلی پژوهش نشان می‌دهد که فرض صفر متغیر اهرم مالی و سودآوری با توجه به مقدار احتمال ۰/۰۷۴ و ۰/۴۲، پذیرفته شده و در نتیجه رابطه معناداری با متغیر وابسته ندارند ولی متغیر اندازه شرکت با ضریب -۰/۱۳- و مقدار احتمال ۰/۰۰۹ بیانگر رابطه منفی و معنادار با عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد.

۷- نتیجه‌گیری و بحث

در این پژوهش، براساس نتایج آزمون‌های آماری انجام شده در سطح معناداری ۹۵ درصد نتیجه‌گیری شد که بین سطح کیفیت افشای رویه‌های حسابداری انتقادی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به این ترتیب که هر چه سطح افشای رویه‌های حسابداری انتقادی در شرکت‌ها از جمله روش تعیین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، روش محاسبه استهلاک، نحوه تعیین مزایای بازنشستگی و روش ارزیابی موجودی کالا بر ارائه تحلیل حساسیت تغییر در برآوردها، ارائه اطلاعات تاریخی در مورد تغییرات قبلی، افشای موارد خاص مؤثر و ارسال اطلاعات مربوطه به کمیته حسابرسی توجه بیشتری شده باعث کاهش هر چه بیشتر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها شده است. البته با توجه به تحقیقات نظری همکه هر چه کیفیت افشای الزامی یا اختیاری اطلاعات در دسترس ذی‌نفعان افزایش یابد هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد، نتایج به دست آمده از این پژوهش منطقی می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات مارتینز فررو، کانو و گارسیا سانچز (۲۰۱۵) که منجر به کشف رابطه علی و معکوس دوطرفه بین افشای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی شد، براون و هیگلست (۲۰۰۷) که رابطه کیفیت افشای اطلاعات را با عدم تقارن اطلاعاتی معنادار و معکوس به دست آورد و پاپروکی و استون (۲۰۰۴) که با بررسی شاخص ورشکستگی Z آلتمن به عنوان معیار عدم تقارن اطلاعاتی و رتبه کیفیت افشای اطلاعات رابطه معناداری را نتیجه‌گیری نموده است، همسو می‌باشد و با پژوهش خواجوی و علیزاده (۱۳۹۳) که نتیجه آن عدم ارتباط معنادار بین سطح افشای داوطلبانه مالی و غیرمالی شرکت با عدم تقارن اطلاعاتی بوده است، تفاوت دارد.

براساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌گردد تا برای انتخاب هر چه بهتر سبد دارائی‌های و یا تک سهم‌های مورد نظر به ارزیابی میزان سطح افشای شرکت‌های مربوطه توجه بیشتری داشته باشند تا از

این طریق باعث کاهش هر چه بیشتر هزینه‌های سرمایه‌گذاری از جمله هزینه‌های نمایندگی گردیده و بازدهی مطلوبتری را در جهت خلق ارزش برای ذی‌نفعان به دنبال داشته باشد. برای پیشنهاد تحقیقات آتی می‌توان به بررسی سایر اقلام مورد اشاره نشریه شماره ۶۰ کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا و تأثیر آن بر سایر شاخص‌های مالی از جمله کیفیت اقلام تعهدی و تحلیل حساسیت هر یک از اقلام مورد نظر بر روی صورت‌های مالی اشاره نمود. محدودیت این پژوهش در معادل یابی فارسی واژگان لاتین در الزامات بین المللی با آیین نامه‌های سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و تبیین آنها در برخی از مراحل انجام پژوهش بود.

فهرست منابع

- * پورزمانی، زهرا؛ منصوری، فرناز (۱۳۹۴)، تأثیر کیفیت افشا، محافظه کاری و رابطه متقابل آنها بر هزینه سرمایه سهام عادی. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۹۶-۷۹.
- * پورحیدری، امید؛ حسین پور، حمزه (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین افشای اجباری و اختیاری با ارزش سهام شرکت‌ها، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت مالی، شماره ۵، صص ۲۸-۹.
- * جهانخانی، علی؛ عبده تبریزی، حسین (۱۳۷۲)، نظریه بازار کارآی سرمایه، نشریه تحقیقات مالی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۳-۷.
- * خواجوی، شکراله؛ علیزاده، وحید (۱۳۹۳)، بررسی اثرات سطح افشای داوطلبانه بر عدم تقارن اطلاعاتی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صص ۱۱۴-۸۹.
- * رهنمای رودپشتی، فریدون؛ یعقوب‌نژاد، احمد؛ نوری‌فرد، یدالله؛ گودرزی، احمد (۱۳۹۲)، ارزیابی تأثیر افشای رویه‌های حسابداری انتقادی بر معیارهای ارزیابی عملکرد و کیفیت گزارشگری مالی، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال پنجم، شماره پیاپی (۱۶)، صص ۷۳-۹۲.

- * Dechow, P. and I. Dichev. (2002). "The quality of accruals and earnings: the role of accruals in estimation errors", *The Accounting Review*, 77, pp. 35-59
- * Fama, E. F. (1998). "Market Efficiency, Long-term Returns, and Behavioral Finance", *Journal of Financial Economics*, 49, pp. 283-306
- * Hendrikson, E. and V. Berda. (1992). "Accounting Theory", 5th ed. New York: Irwin
- * Keiichi, K. and Hitoshi Takehara (2016). "Information asymmetry and quarterly disclosure by firms – Evidence from the Tokyo Stock Exchange", *International review of finance*, Vol 16, issue 1, pp 127-159
- * Levine, C., Smith, M. (2011). Critical accounting policy disclosures, *Journal of accounting auditing and finance*, 22(1), pp. 39-76
- * Martinez ferero, Cano and Garsia sanchez. (2015), "casual relation between sustainable disclosure and information asymmetry". *Journal of corporate social responsibility and environmental management*. Published online in Wiley Online Library (wileyonlinelibrary.com) DOI: 10.1002/csr.1379
- * Nagar V. Nanda, D. and Wysocki, P. (2003). " Discretionary Disclosure and Stock-based Incentive, *Journal of Accounting and Economics*, 34(1-3), pp. 283-309
- * Neimark & Tinker. (1986), *The Social Construction of Management Control System, Accounting, Organization & Society*. Vol 5(1), pp. 87-108
- * Paprocki, C., Stone, M. (2004). IS the quality of critical accounting policy disclosures lower for companies with high information asymmetry? Available at URL: <http://www.ssrn.com>
- * Tinic, S. (1972). The Economics of Liquidity Services. *Quarterly Journal of Economics*, No. 86, pp. 79-93
- * www.criticalthinking.org website Philosophy and Critical theory", in *Negations: Essays in Critical theory* by Herbert marcus. (1968) Beacon press, pp. 142-143, 152-156
- * ریاحی بلکوئی، احمد (۱۳۸۱)، *تئوری حسابداری*، ترجمه علی، پارسائیان دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- * ستایش، محمدحسین؛ محمدیان، محمد؛ مهتری، زینب (۱۳۹۴)، *بررسی اثر تعاملی کیفیت اطلاعات حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی بر عدم کفایت سرمایه گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره ۷، شماره اول، پیاپی ۶۸/۳، صص ۱۰۶-۷۷.
- * شباهنگ، رضا (۱۳۸۲)، *تئوری حسابداری*، انتشارات سازمان حسابرسی.
- * عسکری، سعید؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ گودرزی، احمد (۱۳۹۰)، *اخلاق انتقادی به مثابه بستری برای حسابداری انتقادی*، مجله حسابداری مدیریت، سال چهارم، شماره هشتم، صص ۱۲۳.
- * کمیته تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۸۹)، *مفاهیم نظری گزارشگری مالی*، انتشارات سازمان حسابرسی.
- * وکیلی فرد، حمیدرضا؛ رستمی، وهاب (۱۳۸۹)، *تحلیل دامنه شکاف عدم تقارن تقارن اطلاعاتی بین اعضای حرفه، تهیه‌کنندگان و استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری بر پایه ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری و گزارشگری مالی*، نشریه حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره ۶، صص ۲۵-۳۹.
- * Akerlof, G., Michael Spence and Joseph Stiglitz. (1970). *Markets with Asymmetric information*. At URL: <http://www.Nobelprize.Org/Economist>.
- * Ang, A and Albert Tumarkin. (2016), "Funding disclosures, Information asymmetry, and the Cost of capital", Available at SRN: <http://ssrn.com/abstract=2730423>
- * Baker, Battner. (1997), *Interpretive & Critical Research in Accounting: A Commentary on its Absence from Main Stream Accounting Research*, *Critical Perspectives on Accounting*. Vol 8, pp. 293
- * Balakrishnan, K., Billings, M., Kelly, B., Ljungqvist, A., 2014a. *Shaping Liquidity: On the Causal Effects of Voluntary Disclosure*, *Journal of Finance* 69, 2237-2278.

یادداشت‌ها

1. U.S. Securities and exchange commission
2. Financial reporting release
3. Information asymmetry
4. Critical accounting procedures
5. Management's discussion and analysis (MD&A)
6. Bad debt provision
7. Actuary
8. Venkatesh and Chiang

The quality of critical accounting procedures effect on information asymmetry

Hossein Jahangirnia¹
F. Rahnamay Roodposhti²
Hamidreza Vakilifard³

Receipt: 2016 / 02 / 06

Acceptance: 2016 / 04 / 30

Abstract

The purpose of this research is to determine the quality of four of the critical accounting or principal procedures disclosure, including how to identify bad debt provision, depreciation method, pension benefits plans, and evaluating inventory on information asymmetry.

The disclosure quality score in the annual financial statements and board of directors report have investigated by researcher-made checklist rely on Tehran stock exchange requirements for sample firms. Data derived from all firms listed in the Tehran Stock Exchange that achieved with screening method in a 14-years period from the years 2000 to 2014.

To test the hypothesis, spss and Eviews softwares and panel data with random effects is used.

The results show that there is a significant negative relationship between disclosure quality of critical accounting procedures and information asymmetry. In other words, increase the quality level of disclosure practices critical accounting procedures in the financial reports of companies is to reduce information asymmetry.

Keywords: information disclosure quality, critical accounting procedures, information asymmetry

¹ PhD student of Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Branch (Corresponding Author)

² Professor of Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Branch

³ Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Branch